

هو الله - ای جام سرشار محبة الله دو نامه از شما پی...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۴۹

هو الله

ای جام سرشار محبة الله دو نامه از شما پی در پی وارد و هنوز فرصت قرائت به جان عزیزت حاصل نشد. در این دو روزه قرائت گردد و جواب ارسال شود. حال در نیمه شب در جنح ظلام به خاطر آمد که به شما نامه ای نگارم و در آن نامه آه و ناله کنم زیرا مشام عبدالبهاء باز دائماً از جمیع اطراف استنشاق روائع نماید هر چند از خراسان رائحه طيبة به مشام می رسد ولی چنانکه باید و شاید و چنانکه آرزوی عبدالبهاست نفعات قدس در شدت انتشار نیست و حال آنکه جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء توجه خاصی به احبای خراسان داشتند و در نظر عنایت ممتاز. حال ما را چنان امید بود که از آن خاور نسیم جانپرور به اقلیم باختر رسد و در ایام مبارک نزدیک بود که چنین گردد. باری آنچه در نیمه شب تفکر شد این به نظر آمد که آن حضرت سرّاً نه چهاراً بی کلفت و بی شهرت به کمال حکمت دائماً در آن خطّه و دیار از جائی به جائی مرور و عبور فرمایند. در هر مدینه ای دو سه روز اقامت نموده خفياً احباً را ملاقات نمایند و تشویق و تحریص فرمایند و به حرارت و اشتعال آرند و اخبار این ولا را برسانند و به عنایت الهیه مرده دهند و نفوس را منقطع کنند و قلوب را متوجه به ملکوت ابهی نمایند و به نشر نفعات الله دلالت کنند و بر روش و سلوک و رفتار و کردار مطابق تعالیم الهیه دلالت فرمایند تا جمیع بدانند که الیوم یوم اعمال است نه اقوال، وقت میدان است نه آه و فغان. باید احبای الهی در هر شهری که هستند در صفات رحمانی و سکون و قرار و بردباری و مهربانی و خلوص و راستی و خیرخواهی عموم اهالی و نیت صالحه به جمیع خلق الهی و اطاعت حکم پادشاهی و انجذاب و اشتعال و وله و



ORIGINAL



AUDIO

شعف و شوق و التهاب مشار بالبنان کردند. اگر اسناد کفر بدهند و افتری علی الله ام به جنة گویند و اذا رأوک هل يتخذوک الا هزواً ظاهر کنند و قالوا اضغات احلام بل اقتريه بل هو شاعر بر زبان رانند و يقولون انه لمجنون گویند و تکفیر کنند و به شرک اسناد دهند ضرر ندارد. جمیع این قضایا سبب اعلاء کلمة الله و نشر نفحات الله است اما به شرط آنکه بعد از تکفیر اقرار و اعتراف کنند که در اعمال و گفتار و رفتار این قوم ابداً اعتراض نتوان نمود زیرا از برای نوع بشر خیر مجسمند و بین افراد انسانی شخص آسمانی. بعد از این شهادت بگویند اما چه فایده که از دین برگشته اند. بسیار این قول مقبول است و محبوب و باید چنین باشد چه که اگر ستایش مذهب و مسلک و مشرب نمایند دلیل بر آن است که احباً با پیگانگان آشنایند و همحال و با نادانان هم سر و هم فکر و هم اعتقاد و محروم از موهبت این عصر یزدان و قرن رحمن. البتہ من حیث المسلك و المذهب و المشرب باید متباین باشند.

الهی الهی انی اضع جبینی علی هذا التراب الأغر تذلاًّ الیک و تبناً بین یدیک ان تؤید عبدک الفروغی علی البلوغ الی ذروة عبودیتک و الفروغ عن غیر ذکرک و هدایة خلقک و تشویق احبائک و تحریض اصفیائک علی الخضوع و الخشوع بین خلقک و التسعر بنار محبتک و الاهتزاز من نسیم ریاضک و الارشاف من غدیر حیاضک و التزهة فی غیاضک و القيام علی عبادتک و النطق ببرهانک و اقامة حججک و برهانک و اظهار قدرتک و سلطانک ربّ ایده و شیده و ابدہ فی ملکوتک و انصره بجنود الهامک و جیوش ملائکة قدسک انک انت الموفق المؤید الکریم الرحیم. ع ع